

عطایای روحانی و کاربرد آنها (۵)

افرادی که دارای عطایا هستند (قسمت دوم)

(افسیان ۱۱:۴ و اول قرنتیان ۲۸:۱۲)

در جلسه گذشته از اول قرنتیان ۲۸:۱۲ و افسسیان ۱۱:۴ به پنج گروه افرادی اشاره کردیم که خداوند آنها را به کلیسایش هدیه کرده که با عطایای روحانی ای که دارا هستند، کلیسایش را بنا می کنند.

اول قرنتیان ۲۸:۱۲ و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلّمان، بعد قوّات، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها. (ترجمه کلاسیک)

افسیان ۱۱:۴ و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشّرین و بعضی شبانان و معلّمان را، ... (ترجمه کلاسیک)

پس، همانطور که قرائت شد، پنج دسته از افرادی که دارای عطایای مختلف روحانی هستند از این قرارند.

(۱ رسولان (۲ انبیا (۳ مبشّرین (۴ کشیشان معلم (۵ معلمین.

در جلسه گذشته به بررسی اولین گروه، یعنی رسولان پرداختیم و امروز، در ادامه این بحث، به مطالعه چهار گروه دیگر می پردازیم.

پس مطالعه مون را با بررسی گروه دوم یعنی انبیا آغاز می کنیم.

(۲ نبی (یا پیامبر)

رسولان همکارانی بنام "نبی" داشتند.

انبیا، سخنگویان خدا بودند و برخلاف رسولان که به جاهای مختلف اعزام می شدند، خدمت "انبیا" متمرکز بر کلیسای محلی شان بود، از این جهت، پیامهای خدا به آنها در تعیین خط مشی و اداره کلیسا بکار گرفته می شدند.

بعنوان مثال:

انبیا، با پیامهای هشدار دهنده از طرف خدا، کلیسا را، در رابطه با مشکلات آینده، مطلع می ساختند.

مطابق با اول قرنتیان ۳۷:۱۴ انبیا در اطاعت از تعلیم رسولان فعالیت می کردند.

اول قرنتیان ۳۷:۱۴ اگر کسی خود را نبی بخواند یا دارای عطایای روحانی دیگر بداند باید تصدیق کند که آنچه را می نویسم دستور خداوند است. (ترجمه مژده)

واژه یونانی "پرافتاس" که در فارسی نبی ترجمه شده به مفهوم "شخص سخنگو" می باشد. ما معمولاً شخص نبی را یک شخص پیشگو در نظر می گیریم. آیا می دانید که مفهوم پیشگو به واژه نبی در اواسط قرون وسطی به انگلیسی ملحق شد، در صورتیکه، نبی همیشه به شخصی گفته می شد که از طرف خدا سخن می گفت. او سخنگوی خدا بود.

پیام انبیا، گاهی مستقیماً از خدا، و گاهی براساس آنچه از رسولان آموخته بودند، بود.

منصب یا مقام انبیا نباید با عطای نبوت اشتباه گرفته شود.

امروزه انبیا و منصب آنان، از میان برداشته شده، اما عطای نبوت که همانا اعلام کلام خداست هنوز برقرار است. همانطور که گفته شد، انبیاء مکاشفات الهی را در شرایط خاص، به مردم محلی شان اعلام می کردند. به همین دلیل کشیشان انطاکیه در اعمال باب ۱۳، نبی خوانده شدند.

اعمال ۱:۱۳ در کلیسای انطاکیه سوریه، تعدادی نبی و معلم وجود داشت که عبارت بودند از: برنابا، شمعون که به او «سیاه چهره» نیز می گفتند، لوقیوس اهل قیروان، مناخم که برادر همشیر هیرودیس پادشاه بود، و پولس. (ترجمه تفسیری)

از این جهت، آغابوس، یهودا و سیلاس برای اعضای کلیسای محلی خدمت ویژه ای داشتند، آنها با پیشگویی وقایع و تشویق هایشان، ایمان اعضای کلیسا را استوار می ساختند.

اعمال ۱۵: ۳۲ سپس، یهودا و سیلاس که هر دو نبی بودند و خدا از طریق آنان به مؤمنین پیام میداد، مدتی در آنجا ماندند. آنان مسیحیان را نصیحت و تشویق می کردند که در ایمان استوار باشند. (ترجمه کلاسیک)
حال سوالی که پیش می آید تفاوت بین رسول با نبی است.

تفاوت بین رسولان و انبیا

از جهاتی می توان گفت که شباهتهایی بین آنان است.

بعنوان مثال، پولس هم رسول و هم نبی بود. همانطور که در اعمال ۱:۱۳ خواندیم، پولس بعنوان یک نبی مخاطب قرار می گیرد، اما در سایر قسمتهای عهدجدید تحت عنوان رسول نام برده می شود.

اما از بعضی جهات می توان تمایزی بین خدمات رسولان و انبیا قائل شد.

مثلاً حیطة خدمت رسولان بین کلیساهای سراسر دنیا بود،

یک نبی فقط در بین مردم منطقه خودش خدمت می کرد.

پولس رسول هنگامی بعنوان یک نبی در نظر گرفته شد، که او جز کشیشان کلیسای انطاکیه بشمار می رفت.

نبی معمولاً بین مردم زندگی می کرد و وقت بیشتری را با اعضای کلیسای محلی می گذراند.

اول قرنیتیان ۲۹:۱۴ اگر کسانی هستند که نبوتی از جانب خدا دارند، بهتر است دو یا سه نفر از ایشان، به نوبت، پیغام خدا را اعلام نمایند و دیگران در مورد آن قضاوت کنند. (ترجمه تفسیری)

و آیه ۳۲ ...

اول قرنیتیان ۳۲:۱۴ بعلاوه بیاد داشته باشید کسانی که عطای نبوت دارند، باید این قدرت را هم داشته باشند که ساکت بنشینند و منتظر نوبت خود باشند. (ترجمه تفسیری)

(در ترجمه کلاسیک می فرماید که: ارواح انبیا مطیع انبیاست)

تفاوت دیگر رسولان این است که مکاشفاتی که آنها از خدا دریافت می کردند جنبه تعلیمی داشت. عبارتی اصول و آموزه های ایمان به آنها مکشوف می شد.

اما مکاشفات انبیا نصایح و سفارشات بود که باید به آنها عمل می شد.

سوال اینجاست که چرا در آن زمان اینطور بود؟

پاسخ این است که چون کلیسا در آن دوره بسیار جوان بود و کلام خدا بصورت امروزی تدوین نشده بود و در دسترس مردم قرار نگرفته بود.

بنابراین، مسیحیان نمی دانستند که چه در انتظارشان است. آنها در ایمان طفل بودند.

از این جهت، خدمت انبیا در کلیسا بسیار حساس بود. آنها مرتب به اعضا گوشزد می کردند که چه باید بکنند و یا چه نکنند و گاهی هم اخطار می دادند که مواظب چه مسائلی باشند. مرتب از جانب خدا برای کلیسا خط مشی تعیین می کردند. به این دلیل، پیامشان با "خداوند می فرماید" شروع می شد.

بدینطور کلیسای جوان و تازه به دوران رسیده آن عصر، محافظت شد تا کلام مکتوب خدا به اتمام رسید و در اختیارشان قرار گرفت.

بمحض تکمیل و واگذاری کتابمقدس به کلیسا، سمت نبی و رسول از میان برداشته شد.

تفاوت دیگر نقش انبیا با رسولان، اطاعت آنها از رسولان می باشد.

این مطلب را می توان از اول قرن تیان ۳۷:۱۴ دریافت کرد.

اول قرن تیان ۳۷:۱۴ اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما می نویسم، احکام خداوند است. (ترجمه کلاسیک)

پولس در اینجا می گوید که نبوت انبیا باید مطابق با کلام و نوشته های رسولان باشد.

بنابراین انبیا در اطاعت و هدایت رسولان عمل می کردند.

جمع بندی موضوع نبی

انبیای عهدعتیق تا هنگام ثبت ۳۹ کتاب عهدعتیق حضور داشتند و پس از آن، فعالیت شان تا ۴۰۰ سال متوقف شد. به همانطور، انبیا عهدجدید نیز پس از تدوین کتب عهدجدید، ماموریت و خدمتشان خاتمه یافت.

پس امروزه، هیچ نبی ای وجود ندارد چون آنچه از لحاظ روحانی لازم است بدانیم در کلام خدا ثبت شده است.

منصب انبیا مثل رسولان، سه نوع وظیفه کاربردی داشتند.

(۱) بنای شالوده / بنیاد یا فنداسیون

افسیان ۲:۲۰ شما به ساختمانی تعلق دارید که زیر بنای آن را رسولان و انبیا تشکیل می دهند و عیسی مسیح هم سنگ زاویه آن است. (ترجمه مژده)

(۲) اعلان مکاشفات الهی

افسسیان ۵:۳ در زمانهای گذشته خدا این راز را با قوم خود در میان نگذاشته بود، اما اکنون آن را بوسیله روح خود بر رسولان مقدس و انبیاء خود مکشوف ساخته است. (ترجمه مؤده)

۳) تأیید مکاشفات خدا با انجام قوات، آیات و معجزات

پس از تکمیل این عملیات، یعنی بنای شالوده و اعلان مکاشفات و تأیید آنها توسط معجزات، وظیفه رسولان و انبیاء خاتمه یافت و مَنْصَبِ آنان برداشته شد.

علاوه بر رسولان و انبیاء، گروه سوم از خادمینی که دارای عطایای روحانی هستند، مبشرین می باشد.

۳) مبشرین

افسسیان ۱۱:۴ او عطایای مختلفی به مردم بخشید یعنی: بعضی را برای رسالت، بعضی را برای نبوت، بعضی را برای بشارت و بعضی را برای شبانی و تعلیم برگزید. (ترجمه مؤده)

امروزه ما مبشرین را بعنوان کسانی می شناسیم که که به جاهای مختلف رفته و پیام انجیل را به مردم اعلام می کنند. بعضی محققین می گویند که در کتب قدیمی، واژه یونانی "یوانگلیس تاس" که به فارسی مبشر ترجمه شده، به فروشندگان صابون اطلاق می شد. بطوریکه وقتی صابون کشف شد. نمایندگان فروش صابون شخص کثیفی را به میدان شهر می آوردند و با شستن او در مقابل انظار مردم به آنها ثابت میکردند که این محصول جدید، چه کاربردی دارد. از این جهت، لقب مبشر، برای کسانی که با بشارت انجیل درون مردم را پاک می کردند، استفاده شد.

بنابراین مبشر کسی است که پیام خوش انجیل را اعلام می کند.

این واژه در عهدجدید فقط ۳ بار استفاده شده.

در اعمال ۸:۲۱ در اشاره به فیلیپس مبشر، در دوم تیموتاوس ۵:۴ به عمل مبشر و در افسسیان ۱۱:۴ به خدمت بشارت استفاده شده است.

آنها دائم در حرکت هستند. البته نه به این مفهوم که اجازه توقف نداشتند چون در کلام می بینیم که پولس رسول به مدت ۳ سال در شهر قرنتیان می ماند.

تیموتاوس نیز یک مبشر بود و گاهی به مدت محدودی در یکجا اقامت می کرد.

اما بطور کلی، ویژگی خدمت مبشرین طوری بود که مجبور به حرکت بودند.

آنها خادمین سیار بودند و مرتب سفر می کردند.

از افس ۱۱:۴ می فهمیم که آنها، گروهی از افراد بودند.

در اعمال ۸:۲۱ می خوانیم:

اعمال ۸:۲۱ روز بعد آنجا را ترک کرده به قیصریه آمدم و به خانه فیلیپس مبشر که یکی از آن هفت نفری بود که در اورشلیم انتخاب شده بودند، رفتیم و پیش او ماندیم.

فیلیپس مبشر در باب ۶ اعمال رسولان جزء هفت نفر شماس کلیسا، نیک نام و پر از روح القدس بود که

با بررسی فعالیت‌های او در اعمال باب ۸ می‌توانیم اطلاعات بیشتری در رابطه با کار مبشرین بدست آوریم. از این جهت، اعمال باب هشتم را با هم بررسی می‌کنیم.

اعمال ۴:۸ و اما آنانی که پراکنده شده بودند به هر جا که می‌رفتند، پیام خدا را اعلام می‌کردند.

از این آیه می‌فهمیم که کار یک مبشر "اعلام کلام خدا" است. در آیه بعد می‌گوید که فیلیپس "به سامره می‌رود و مسیح را موعظه میکند" و برای نجات مردم تلاش می‌کند. آیه ۶ می‌گوید:

اعمال ۶:۸ و مردم یک دل و با اشتیاق به سخنان او گوش می‌دادند و معجزاتی را که انجام می‌داد می‌دیدند.

از آنجائیکه کلام خدا هنوز در دسترس مردم نبود، خدا برای اثبات آنچه فیلیپس می‌گفت به او "توانایی انجام معجزات" را داده بود.

در آیه ۳۵ می‌خوانیم.

اعمال ۳۵:۸ آنگاه فیلیپس شروع کرده و از همان قسمت کتاب مقدس، مژده عیسی را به او رسانید.

در بخش اول این باب فیلیپس به گروهی از مردم بشارت می‌دهد، اما در اینجا انفرادی بشارت می‌دهد. نتیجه می‌گیریم که یک مبشر، هم در جمع و هم انفرادی بشارت می‌دهد.

پس مبشر کسی است که خدا به او قدرت خاصی بخشیده تا پیام نجاتبخش انجیل را به مردم بشارت دهد و برای خدا جانها صید کند.

نکته بعدی در آیه ۴۰ است.

اعمال ۴۰:۸ اما فیلیپس در اشدود دیده شد که در همه شهرهای آن ناحیه می‌گشت و بشارت می‌داد تا سرانجام به قیصریه رسید.

مبشر کسی است که کلام خدا را بطور سیار پخش میکند.

آیه دیگری که اشاره به واژه مبشر می‌کند ۲ تیموتاوس ۵:۴ است.

دوم تیموتاوس ۵:۴ لیکن تو در همه چیز هشیار بوده، متحمل زحمات باش و عمل مبشر را بجا آور و خدمت خود را به کمال رسان. (ترجمه کلاسیک)

در اینجا پولس به تیموتاوس سفارش میکند که اگر میخواهی "خدمت خود را بکمال برسانی" باید کار یک مبشر را انجام دهد. پس تیموتاوس نیز یک مبشر بود.

پس در عهدجدید اشاره به گروهی از مبشرین (افس ۱۱:۴)، و نیز فیلیپس و تیموتاوس مبشر شده است.

لغت نامه "Kittle" در رابطه با مفهوم کلمه مبشر چنین مینویسد.

"تفاوتی بین رسولان و مبشرین وجود دارد. تمام رسولان مبشرند اما همه مبشرین رسول نیستند. دعوت شخصی عیسی مسیح از رسولان یک امر لازم بود اما مبشرین تابع رسولان بودند."

نکته مهمی که می توان از اینجا استخراج نمود این است که ادامه کار بشارت و موعظه کلام خدا توسط رسولان به عهده مبشرین گذاشته شد. آنها همان کاری را که رسولان پایه گذاری کردند ادامه می دهند. هم تراز با رسولان نیستند اما در رابطه با امر بشارت و موعظه پیام خدا همان کار را انجام میدهند.

بعنوان مثال یقیناً فیلیپس مبشر، یک رسول نبود. چون در اعمال ۸ می گوید که او پس از موعظه کلام و تعمید آب نوایمانان سامره، باید منتظر می ماند تا پطرس و یوحنا که جز رسولان بودند، می آمدند تا با دستگذاری آنها روح القدس بر آنها افاضه می شد.

در دوره آغاز کلیسا (یا عصر رسولان) روح القدس با خدمت رسولان جاری می شد.

از این جهت، فیلیپس در رابطه با افاضه روح القدس نتوانست کاری بکند، باید از رسولان کمک می گرفت. او تابع و زیر دست رسولان بود. به همین دلیل امروز نیز می گوئیم کسانی که کلام خدا را موعظه می کنند و یا بشارت می دهند رسول نیستند، آنها مبشرند.

تیموتاوس مبشر، که انجیل را بشارت می داد، نیز نه یک رسول، بلکه شاگرد پولس رسول بود.

در فهرست افسسیان ۴، ابتدا رسولان، بعد انبیا و سوم مبشرین نام برده شده اند. بنابراین مبشرین همیشه زیر دست عمل می کردند.

شخصی بنام Eusebia در یکی از نوشته های قدیمی که به زمان بعد از رسولان بر می گردد می گوید که، مبشرین جانشین کار و نه منصب رسولان می باشند.

این مطلب خیلی اهمیت دارد، چون درست بعد از کلیسای رسولان (کلیسای عهدجدید) نوشته شده، و خیلی نزدیک به آنچه دوران رسولان باور داشتند، می باشد.

بنابراین، کلیسا پس از دوران رسولان خوب می دانست که مقام رسالت جایگزینی ندارد و با رفتن آنها فقط کارشان بدست مبشرین ادامه پیدا کرد.

پس کار اصلی یک مبشر موعظه پیام انجیل است. اما باید توجه داشت که، فیلیپس در بشارت انجیل مسیح، به جاهایی که پیام انجیل را نشنیده بودند، می رفت و این نکته بسیار مهمی است.

اما تیموتاوس نیز نمونه مبشریست که در یک منطقه، کلیسا بنا کرده و بعد با تعلیم، اعضایش را برای بشارت به شهرهایشان آماده و تجهیز می کند.

پس مبشر می تواند هم مشغول کار موعظه انجیل باشد و هم به تجهیز و تعلیم مبشرین برای بشارت پردازد.

بعبارتی، هم میتوان گروهی از میسیونرها تشکیل داد و هم کلیسا تاسیس نمود و یا در جایی که کلیسا وجود دارد تعدادی را برای امر بشارت تعلیم داد و تجهیز کرد.

نکته دیگر اینکه، مبشر باید پس از تاسیس کلیسا و تعلیم و تجهیز اعضا، آنجا را ترک کند و ادامه کار را به شبان و معلمین بسپارد و به مناطق جدید سفر کند، در غیر اینصورت کلیسا با مشکلات زیادی مواجه می شود.

پس یک مبشر در درجه اول موسس کلیساست. اول جانها را صید می کند و کلیسا تشکیل می دهد. بعد با تعیین و دستگذاری مشایخ یعنی پس از اینکه آن کلیسا به خودکفائی رسید آنجا را ترک گفته به مکانهای جدید سفر می کند. پولس به تیموتاوس چنین میگوید:

۱ تیموتاوس ۶:۴، ۱۳ و ۱۶ اگر این دستورها را به ایمانداران یادآور شوی، خادم نیکوی مسیح عیسی خواهی بود که در حقایق ایمان و تعلیم نیکویی که دنبال کرده ای، پرورش خواهی یافت... و تا موقع آمدن من، وقت خود را صرف موعظه و تعلیم و قرائت کلام خدا برای عموم بنما. مراقب خود و تعلیمت باش و در انجام این کارها همیشه کوشش کن چون به این وسیله هم خود و هم آنانی را که به تو گوش می دهند، نجات خواهی داد. (ترجمه کلاسیک)

۲ تیموتاوس ۲:۲ و سخنانی را که در حضور شاهدان بسیار از من شنیده ای به کسانی بسپار که مورد اعتماد و قادر به تعلیم دیگران باشند. (ترجمه کلاسیک)

پس، وظیفه یک مبشر موعظه و تعلیم است.

برخی ادعا می کنند که واعظ نیستند فقط می توانند مشوق خوبی باشند.

این منطقی نیست چون باید پرسید که از چه چیز برای تشویق مردم استفاده می کنند آیا از حقیقت؟

اگر حقیقت است، پس باید از کلام خدا پیامی داشته باشند.

از این جهت، مبشرین هم می توانند در جاهایی که کلام موعظه شده، خدمت کنند و هم در کلیساهایی که نیاز به توسعه و بزرگ شدن دارند فعالیت داشته باشند.

مطابق با افسسیان ۱۱:۴ مبشرین در جهت تکمیل مقدسین خدمت می کنند.

چهارمین گروه از اشخاصی که دارای عطایای روحانی هستند شبانان معلم می باشد.

۴) شبانان معلم

افسسیان ۱۱:۴ او عطایای مختلفی به مردم بخشید یعنی: بعضی را برای رسالت، بعضی را برای نبوت، بعضی را برای بشارت و بعضی را برای شبانی و تعلیم برگزید.

در اینجا منظور از "شبانی و تعلیم" شبانانی که تعلیم می دهند می باشد. تعلیم از شبانی جدا نیست. این را از مفهوم لغت یونانی آن یعنی "پوی مین"، می توان دریافت.

شبانان معلم، جانشین انبیای عهدجدید شدند.

آنها مسئولیت شبانی گله خدا را در یک کلیسای محلی به عهده داشتند.

وظیفه یک شبان معلم این بود که نیازهای عملی کلیسایش را تامین کند.

شبان خدمت انبیا را ادامه می دهد و در دراز مدت، کلیسا را چوپانی و محافظت می کند.

به عبارتی، از کلیسا دفاع می کند، در آن انگیزه ایجاد می کند، مسیحیان را با هشدارهایش آگاه می کند، و بدینصورت یک حصار روحانی بدور آنها می کشد.

چند وقت پیش از شبان موفق یک کلیسا که بیش از ۴۰ سال اعضایش رو شبانی می کرد شنیدم که داشت برای اعضای کلیسایش درد و دل می کرد و می گفت که، پدرش مجبورش می کرد، تا در برنامه های تلویزیونی موعظه کند و به سفرهای بشارتی برود.

می گفت بخاطر اینکه دل پدرش را نشکنند این کار را انجام می داد.

اما هرگز، این کارها او را راضی نمی کرد. چون دائم دلش را در کنار اعضای کلیسایش می دید.

می گفت روبروی دوربین قرار گرفتن و با مردم صحبت کردن اصلاً برایم کار جالبی نبود. من دوست دارم که رو در رو با مردم صحبت کنم. از طرفی می گفت سفر کردن و با مردم مختلف حرف زدن و برای آنها موعظه کردن هم او را راضی نمی کرد. بلکه دوست داشت که در یک جا ساکن باشد و با افرادی که خدا بهش داده پیام خدا را در میان بگذارد.

البته می گفت، نه اینکه من به صید جانها اهمیتی نمی دهم ولی دوست دارم که اینکار توسط کلیسایی که شبانی اش را بعهده دارم، انجام شود.

شبان معلم از دو کلمه مجزا تشکیل شده که مفهوم هر کلمه مسئولیت او را کاملاً روشن می کند.

معلم شخصی است که اعضایش را از کلام خدا تغذیه می کند و شبان هم به محافظت از گله، اشاره دارد.

پس این دو مسئولیت، یعنی خوارک دادن و محافظت کردن، وظائف اصلی شبانان می باشد.

قلب شبانی پولس رسول را در اعمال باب ۲۰ می توانیم ببینیم.

در این باب پولس با کلیسایی که ۳ سال بطور شبانه روز آنها را خدمت کرد و برایشان اشک ریخت، خداحافظی می کند و با دل تنگی و نگرانی به آنها این چنین هشدار می دهد:

اعمال ۲۹:۲۰-۳۰ من می دانم که بعد از رفتن من گرگهای درنده به میان شما خواهند آمد، که به گله ترخمی نخواهند کرد. و حتی در میان خود شما افرادی پیدا خواهند شد که حقیقت را تغییر داده، پیروانی را به دنبال خود خواهند کشید.

شبان همیشه گله اش را در مقابل گرگهای درنده محافظت می کند.

پولس علاوه بر خوراک دادن اعضایش، با هشدارها آنها را نسبت به گرگهای درنده نیز آگاه می ساخت.

در نهایت، برای محافظت آنها پولس شبانان کلیسا را به دو چیز می سپارد.

اعمال ۳۲:۲۰ «اکنون شما را به خدا و کلام فیض بخش او می سپارم. کلامی که قادر است شما را بنا کند و برکاتی را که میراث مقدسان اوست، به شما عطا فرماید.

پنجمین و آخرین گروه از اشخاصی که دارای عطایای روحانی هستند معلمین می باشد.

۵) معلمین

البته برخی مفسرین، معلمینی که در اول قرن‌تین ۲۸:۱۲ به آنها اشاره شده را با شبانان معلم یکی می‌دانند. از آنجائیکه شبانان کلیسای انطاکیه در اعمال ۱:۱۳، انبیا و معلم نیز خطاب شدند نمی‌توان به آنها اعتراض کرد. اما بهتر است که با این کار، یعنی یکی دانستن معلم و شبانان، عده‌ای از خادمین را که بطور ویژه به خدمت تعلیم مشغولند را حذف نکنیم.

این گروه معلمین، در حال حاضر، استاتید آموزشگاهها، دانشگاهها و تمام مراکز آموزشی علمی و روحانی هستند، که در پشت صحنه، ساعتها، روزها و سالهای عمر خود را وقف تحقیق و تعمق در علوم مربوط به کلام خدا، می‌کنند و با تعلیم و نشر کتب تعلیمی و الهیاتی ابزار بسیار ارزنده‌ای را در خدمت به مسیح ارائه داده‌اند.

فقط کافیست که به کتابخانه یک دانشگاه الهیات بروید و به کتب ارزنده‌ای که نویسندگان آنها سالهای عمر خود را وقف تهیه آنها نموده‌اند، نگاهی بیاندازید.

اکثر این اساتید هیچ کدام شبان یا مبشر نبوده‌اند و تنها خدمتشان به تعلیم و آموزش متمرکز بوده است. پس از شناخت این ۵ گروه اشخاصی که دارای عطایای روحانی هستند، سوالی که معمولاً مطرح می‌شود این است که، یک شخص چطور دعوت خدا را برای خدمتی خاص می‌فهمد، یا دریافت می‌کند.

چگونگی دعوت الهی

در پاسخ به این سوال به مطالعه خروج باب ۳ می‌پردازیم.

خروج ۱:۳-۱۰ یک روز وقتی موسی گله گوسفندان و بزهای پدر زنش یترون، کاهن مدیان را می‌چرانید، گله را به طرف غرب بیابان برد تا به کوه مقدس، یعنی سینا رسید. در آنجا فرشته خداوند از میان شعله‌های آتش بوته‌ای بر او ظاهر شد. موسی نگاه کرد و دید که بوته شعله ور است اما نمی‌سوزد! پس با خود گفت: «نزدیک بروم و این چیز عجیب را ببینم که چرا بوته نمی‌سوزد!» وقتی خداوند دید موسی نزدیک می‌آید، از میان بوته آتش او را صدا کرد و فرمود: «موسی، موسی!» موسی عرض کرد: «بلی حاضرم.» خدا فرمود: «نزدیکتر نیا! نعلینت را از پایت بیرون بیاور چون جایی که ایستاده‌ای زمین مقدس است. من، خدای اجداد تو هستم. خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب.» موسی صورت خود را پوشانید چون ترسید که به خدا نگاه کند. آنگاه خداوند فرمود: «زحمات قوم خود را که در مصر هستند دیدم و ناله و زاری آنها را که از دست سرکارگران می‌کردند شنیدم. من تمام رنج و عذاب آنها را می‌دانم.» بنابراین نازل شده‌ام تا آنها را از دست مصری‌ها نجات بدهم و از مصر بیرون آورده به سرزمینی غنی و حاصلخیز ببرم. به سرزمینی که اکنون کنعانیان، حِتیان، اموریان، فرزیان، حویان و یبوسیان در آن زندگی می‌کنند. من فریاد قوم خود را شنیده‌ام و می‌دانم که چگونه مصری‌ها به آنها ظلم می‌کنند. حالا بیا تو را نزد فرعون بفرستم تا تو قوم من بنی اسرائیل را از این سرزمین بیرون بیاوری.» (ترجمه مؤده)

در این واقعه به چند نکته مهم در رابطه با دعوت الهی پی می‌بریم.

۱) اولین نکته در دعوت الهی این است که دعوت کننده خداست.

موسی در این واقعه، مستقیماً از طرف خدا دعوت می شود. بعبارتی خدا مستقیماً او را به خدمت می خواند. خدا هیچگاه منتظر نشد تا شاید موسی روزی به فکر رهبری قوم بیافتد بلکه خود خدا در این امر پیش قدم شد. بنابراین دعوت الهی از خدا آغاز میشود.

خدمت خدا بطور طبیعی با یک دعوت مستقیم از طرف خدا صورت می گیرد. نیازی نیست که افراد به بنگاه کاریابی، و یا از طریق سفارش نامه هایی وارد خدمت خدا شوند.

۲) دومین نکته اینکه: خدا دعوت الهی را از طریق یک ملاقات شخصی انجام می دهد.

توجه کنید که خدا چگونه مقدمات کار را برای دعوت از موسی می چیند. او ابتدا بوته ای را که ظاهراً در حال سوختن بود تهیه میکند و بعد از میان بوته دو بار نام موسی را صدا می زند.

۳) سومین نکته: دعوت الهی همراه با یک ماموریت همراه است.

خدا از موسی می خواهد که برایش کاری انجام دهد. موسی باید رهبری قوم را برای خروج از مصر به عهده میگرفت.

یک روز داشتم به موعظه یکی از این معلمین ایمان پرست گوش میدادم که داشت شهادت اینکه چطور خدا ازش دعوت به خدمت کرده را تعریف میکرد. میگفت خدا بهش گفت که میخواد بهش یک خدمت شفا بده و او از خدا پرسید که اگر پاسخ منفی بدم چی میگه؟ او گفت که تو نفر سوم هستی اگر جواب منفی بدی به سراغ نفر چهارم میروم.

دعوت الهی یک پیشنهاد نیست بلکه یک ماموریت است. همینطور که از این بخش و سایر بخش های دیگر از کلام خدا در می یابیم، خدا افراد را قبل از دعوت آماده می کند. خدا از ابتدای طفولیتش او را هدایت میکند. مدت ۴۰ سال اول زندگی اش را در قصر فرعون بسر میبرد و با فنون مختلف آشنا میشود. اما ۴۰ سال دیگر هم توسط خدا در بیابان آزموده میشود تا سر انجام خدا از او دعوت می کند. مهم اینجاست که در طی تمام این سالها شخص دعوت شده، مثل موم در دستان خدا قرار می گیرد.

مزمور ۸:۳۲ خداوند می فرماید: «من راهی را که باید بروی به تو خواهم آموخت و تو را هدایت خواهم کرد. (ترجمه کلاسیک)

مزمور ۱۴:۴۸ و بگوئید این خدا، خدای ماست و تا ابد راهنمای ماست. (ترجمه کلاسیک)

بنابراین، خدا برای همیشه راهنمای ما خواهد بود.

۴) نکته چهارم، آیه ۷، آشکار شدن نیاز مردم، برای شخص دعوت شده.

خروج ۷:۳ آنگاه خداوند فرمود: «زحمت قوم خود را که در مصر هستند دیدم و ناله و زاری آنها را که از دست سرکارگران می کردند شنیدم. من تمام رنج و عذاب آنها را می دانم.

در اینجا خدا برای موسی آشکار می کند که قصد دارد تا مردم را از رنج و عذابی که می کشند آزاد کند.

۵) پنجمین نکته، آیه ۸، آشکار شدن نقشه خداست

خروج ۸:۳ «بنابراین نازل شده ام تا آنها را از دست مصری ها نجات بدهم و از مصر بیرون آورده به سرزمینی غنی و حاصلخیز ببرم. به سرزمینی که اکنون کنعانیان، حِتیان، اموریان، فرزیان، حویان و یبوسیای در آن زندگی می کنند.

خدا برای موسی نقشه اش را آشکار میکند. بنابراین دعوت الهی همرا با ارائه طرح و نقشه الهی می باشد. آیات ۹ و ۱۰ نیز جزئیات بیشتری در اختیار موسی قرار میدهد.

خروج ۹:۳-۱۰ من فریاد قوم خود را شنیده ام و می دانم که چگونه مصری ها به آنها ظلم می کنند. حالا بیا تو را نزد فرعون بفرستم تا تو قوم من بنی اسرائیل را از این سرزمین بیرون بیاوری.»

(۶) ششمین نکته این است که شخص نسبت به ماموریتی که خدا از او میخواهد خود را نالایق و بی کفایت میبیند.

خروج ۱۱:۳ موسی به خدا عرض کرد: «ای خداوند، من کیستم که نزد فرعون بروم تا بنی اسرائیل را از مصر بیرون بیاورم؟»

خدا میتواند در پاسخ به موسی بگوید که نه اینطور نیست تو بهترین شخصی هستی که برای این ماموریت وجود دارد. هیچ کس به اندازه تو با فنون جنگی آشنا نیست. تو بسیار با مهارت و تحصیل کرده هستی. فراموش نکن که پسر دختر فرعون بودی. تو باید اعتماد بنفس داشته باشی. خیر هرگز خدا چنین پاسخی به موسی نداد.

خدا اصلاً پاسخ موسی را نادیده گرفت. در عوض به او در آیه ۱۲ چنین پاسخ میدهد.

خروج ۱۲:۳ خدا فرمود: «من با تو خواهم بود و وقتی که تو قوم مرا از مصر بیرون بیاوری، مرا در این کوه پرستش خواهید کرد. این نشانه ای خواهد بود که من تو را فرستاده ام.»

در واقع با این پاسخ خدا میگوید مسئله این نیست که تو "کی" هستی. چون مهم نیست که تو "کسی" باشی بلکه مسئله اینجاست که "من هستم آنکه هستم".

پولس رسول نیز در دوم قرن تیان ۵:۳ میگوید:

دوم قرن تیان ۵:۳ در خود لیاقتی نمی بینیم که بگوییم ما صلاحیت انجام چنین کاری را داشته ایم. خیر! بلکه لیاقت ما از جانب خداست.

پس خدمت خدا این چند اصل را به همراه دارد:

(۱) دعوت کننده خداست (۲) دعوت از طریق ملاقات شخصی (۳) ماموریت الهی (۴) آشکار شدن نیاز مردم (۵) آشکار شدن نقشه الهی (۶) احساس عدم کفایت دعوت شونده

شاید بعضی بگویند که این سرگذشت موسی است. اما برای ما مصداق پیدا نمیکند. نمیتوان بعنوان یک الگوی روحانی از آن سرمشق گرفت.

پس بیایید نگاهی به سرگذشت جدعون بیاندازیم. در داوران باب ۶ می بینیم که خدا جدعون را برمیگزیند تا قومش را از دست مدیان نجات دهد. اما جدعون در پاسخ به دعوت خدا چنین میگوید.

داوران ۱۵:۶ جدعون گفت: «چطور می توانم قوم اسرائیل را نجات بدهم، چون خاندان من ضعیف ترین خاندان طایفه منسی است و من کوچکترین عضو خانواده ام می باشم؟»

خدا در پاسخ جدعون از او تعریف نمیکند تا به او اعتماد بنفس بدهد بلکه در پاسخ به او چنین میگوید.

داوران ۱۵:۶ خداوند فرمود: «من همراه تو هستم و تو می توانی همه مدانیان را شکست بدهی.»

سرگذشت ارمیا در باب ۱ نیز به همین صورت است.

ارمیا ۱:۴-۱۰ پس کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدن از رحم تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت قرار دادم.» پس گفتم: «آه ای خداوند یهوه اینک من تکلم کردن را نمی دانم چونکه طفل هستم.» اما خداوند مرا گفت: «مگو من طفل هستم، زیرا هر جایی که تو را بفرستم خواهی رفت و بهر چه تو را امر فرمایم تکلم خواهی نمود. از ایشان مترس زیرا خداوند می گوید: من با تو هستم و تو را رهایی خواهم داد.» آنگاه خداوند دست خود را دراز کرده، دهان مرا لمس کرد و خداوند به من گفت: «اینک کلام خود را در دهان تو نهادم. بدان که تو را امروز بر امت ها و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه برکنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب نمایی و بنا نمایی و غرس کنی.»

همانطور که میبینید این اصل و قاعده برای تمام مردان خدا یکیست. وقتی خدا بخواهد از کسی برای خدمت استفاده کند، او را شخصاً دعوت می کند. سپس نیاز مردم و نقشه اش را برایش آشکار می کند. آنگاه او را به ماموریت می فرستد.

شخص دعوت شونده اگر چه خود را نسبت به ماموریتی که به او سپرده شده بسیار حقیر و نالایق می بیند اما تمام توکلش به خدا میباشد.

ایمانداران باید بدانند که به خدماتی که خدا از آنها دعوت نکرده دست نزنند.

یعقوب ۱:۳ برادران من، مبادا که بسیاری از شما در پی معلم شدن باشند، زیرا می دانید که بر ما معلمان، داوری سخت تر خواهد شد.

امیدوارم که مطالعه امروز، باعث برکت و تشویق شما در ایمان و زندگی مسیحی تان شده باشد.

موضوع درس بعدی، عطایای دائمی روح القدس می باشد.

فیض و برکت خدا با همه شما باشد و بماند.